

تأثیر عزت نفس بر عملکرد دانش آموزان پسر و دختر دبیرستانی

دکتر حسین شکرکن *

عبدالکاسم نیسی

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر عزت نفس بر عملکرد نمونه‌هایی از دانش آموزان پسر و دختر دبیرستانی اتمام ورزیده است. فرضیه عام مورد آزمایش این بوده است که افزایش عزت نفس به افزایش عملکرد و کاهش عزت نفس به کاهش عملکرد می‌انجامد. آزمودنیهای این آزمایش ۳۶۰ دانش آموز دختر و پسر سال اول تا سوم دبیرستان بودند که هم به صورت تصادفی انتخاب شدند و هم به صورت تصادفی به گروههای مقایسه آزمایشی و گواه گمارده شدند. برای آزمایش فرضیه‌ها طرح چهارگروهی سولومن مورد استفاده قرار گرفت. در تجزیه و تحلیل داده‌های این آزمایش از روش تحلیل واریانس و آزمون t استفاده به عمل آمد. یافته‌های پژوهش فرضیه‌های مطرح شده را در سطح ۵٪ معنی داری تأیید کردند. نتایج این تحقیق با یافته‌های پژوهشهای مربوط پیشین هماهنگند و آنها را تأیید می‌کنند.

زمینه تحقیق

انگیزش کارکنان در روانشناسی صنعتی و سازمانی جایگاه والایی دارد، و مطالب بسیاری در باره آن به رشته تحریر درآمده است. بخش عمده این مطالب به نظریه‌های انگیزش کارکنان در محیطهای کار و به گزارش پژوهشهای انجام شده در رابطه با این نظریه‌ها اختصاص دارد. یکی از نظریه‌های پرآوازه در روانشناسی که با انگیزش کارکنان در دنیای کار نیز ارتباط دارد نظریه ناهماهنگی شناختی فستینجر (Festinger, ۱۹۵۷) است. با این که صورت بندی اصلی این نظریه تا اندازه زیادی از عهده تبیین پاره‌ای از رفتارهای سازمانی بر می‌آید، دو نظریه اخص برای تبیین رفتار در دنیای کار از آن منشعب شده است. یکی از این دو، نظریه نابرابری (Inequity Theory) آدامز (Adams, ۱۹۶۵) و دیگری نظریه خود هماهنگی (Self-Consistency Theory) کورمن (Korman, ۱۹۷۷) است.

* - دکتر حسین شکرکن و آقای عبدالکاسم نیسی، اعضای هیأت علمی گروه روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز.

نظریه نابرابری آدامز همراه با بازنگری برخی از پژوهشهای مؤید آن قبلاً در مقاله‌ای به زبان فارسی به زیور طبع آراسته شده است (ر.ک. حسین شکرکن، ۱۳۵۳). نظریه دوم، یعنی نظریه خودهماهنگی، همان است که پژوهش حاضر آزمایش یکی از پیش‌بینیهای آن را وجهه همت خود قرار داده است. کورمن (۱۹۷۷) پس از تشریح و نقد چندین نظریه معروف در زمینه انگیزش کارکنان به ارائه نظریه خودهماهنگی اقدام می‌کند. پیش از هر چیز، شرح موجزی از این نظریه به منظور آشنایی با آن از نظر می‌گذرد.

نظریه خودهماهنگی

به باور کورمن (Korman، ۱۹۷۷) رفتار مؤثر و کارآمد در محیطهای شغلی دست کم مستلزم سه شرط است. اولاً، لازم است به انجام وظایف مبادرت شود، صرف نظر از این که این وظایف چه باشند. ثانیاً، تعارض خصمانه و پرخاشگری باید تا اندازه زیادی مهار شوند تا سبب تضعیف سازمان نشوند و وقت و کوشش مصروف آنها مانع حصول اهداف نگردد. بالاخره، در صورتی که شغل ایجاب کند برای دگرگونی و خلاقیت باید گنجایش و امکان وجود داشته باشد. نظریه خودهماهنگی متضمن همه این شرایط است و به منظور پیش‌بینی شرایطی تدوین و صورت‌بندی شده است که تحت آنها پیشرفت، پرخاشگری، پذیرا بودن دگرگونی، و آفرینندگی و خلاقیت در محیطهای سازمانی روی می‌دهد.

نظریه خودهماهنگی سه قضیه اساسی را به شرح زیر مطرح می‌سازد:

۱- فرایندهای انگیزشی تابعی هستند از سائق هماهنگ شدن با نظامهای اعتقادی مربوط به ماهیت خود، دیگران، و دنیا.

۲- نظامهای اعتقادی که به سطوح مختلف پیشرفت، پرخاشگری، و خلاقیت می‌انجامند تابعی هستند از محیطهای یکسان و ممکن است در آن محیطها نشو و نما کنند.

۳- تغییر و دگرگونی در این محیطها در جهاتی که نظریه تعیین می‌کند به تغییراتی در پیشرفت، پرخاشگری، و خلاقیت منجر می‌شود.

قضیه‌های فوق بر دو فرض مبتنی هستند. اولاً، شخص برانگیخته می‌شود تا به حصول بازدهایی نائل آید که با اعتقادات او در باره خودش و دیگران، و با میزان اعتقاد او به مجموعه‌ای از ارزشها که رفتار را در دنیا هدایت می‌کنند، هماهنگ باشند. ثانیاً، یادگیری شخص

در باره ماهیت خود، دیگران، و دنیا تا اندازه‌ای تابع عقاید اظهار شده واقعی و نمادین دیگران است. بدین سان، اگر دیگر تجارب یادگیری، در باره خود و دیگران را ثابت نگهداریم، هرچه فرد با دنیایی که نظام اعتقادی ویژه‌ای را در باره خود، دیگران، و دنیا ترغیب می‌کند، بیشتر تعامل داشته باشد، بیشتر آن اعتقادات را خواهد پذیرفت.

دو دلیل منطقی برای این فرضها وجود دارد. اولاً، دلیل این که شخص برانگیخته می‌گردد تا با اعتقادی که در باره ماهیت خود، دیگران، و دنیا یاد گرفته است هماهنگ شود این است که بازده‌هایی که با این اعتقادات تجانس نداشته باشند، اضطراب‌آور و ناخشنود کننده‌اند. دلیل منطقی دوم این است که شخص برانگیخته می‌شود تا درباره خود و دیگران چیزهایی بیاموزد و اگر واقعی فیزیکی وجود نداشته باشد موقعیت اجتماعی هادی او می‌شود (فستینجر Festinger، ۱۹۵۹) و ارزشها و هنجارهای اجتماعی محتوای یادگیری او را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

با توجه به مفروضات مزبور، و براساس قضیه‌های سه گانه عنوان شده پیش بینیهای زیر را می‌توان به عمل آورد.

۱- افرادی که شایستگی خود دریافته زیادی دارند به احتمال بیشتر باید در انجام وظایف موفق بشوند تا کسانی که شایستگی خود دریافته اندکی برای وظیفه یا شغل در دست انجام دارند. علت این امر آن است که این گونه توفیق شغلی متفاوت برای این دو گروه با شناختهای از خود آنان سازگار است.

۲- کسانی که اعتقاد دارند تنها یک مجموعه از مقررات برای هدایت رفتار وجود دارد و تنها به یک طریق می‌توان به دنیا نگریست، به احتمال زیاد با تغییر خلاق، با تغییر به طور کلی، و با افراد و اشیایی که با آنان متفاوتند و نسبت به آنان تغییری به شمار می‌آیند، مخالفند.

۳- افرادی که براین باورند که مردم به طور کلی، نامطلوبند، قابل اعتماد نیستند، و باید با تهدید و تنبیه مهار شوند کسانی هستند که به احتمال بیشتر نسبت به دیگران پرخاشگری ابراز می‌دارند و به رفتارهای عموماً "خصمانه نسبت به دیگران مبادرت می‌ورزند.

شایستگی خود دریافته نام دیگری برای متغیر عزت نفس است که بر ویژگیهایی از قبیل تصور از خود مثبت، تواناییهای خود دریافته، انتظار موفقیت و جز اینها مشتمل است. بدین ترتیب، تحقیق حاضر آزمایش پیش بینی شماره ۱ ناشی از نظریه خودهماهنگی کورمن را و جهت همت خویش قرار داده است. نخست، پژوهشهای دیگری که در زمینه رابطه میان عزت نفس و

عملکرد انجام شده‌اند به اختصار بازنگری می‌شوند، آن‌گاه گزارش پژوهش حاضر ارائه می‌گردد.

بازنگری پیشینه موضوع

ارونسون و کارل اسمیت (Aronson & Carlsmith، ۱۹۶۲) در رابطه با نظریه ناهماهنگی شناختی فستینجر (Festinger، ۱۹۶۰، ۱۹۵۷) این فرضیه را به بوته آزمایش گذاشتند که فردی که خود را در انجام کاری ناتوان می‌داند، ولی برخلاف انتظار خود در انجام آن کار موفق شده باشد، اگر فرصت مجددی برای انجام آن کار بیابد کار را بدتر انجام خواهد داد تا با شناختهایی که از بی‌کفایتی خود پیدا کرده است هماهنگ شود. در این تحقیق از ۴۰ دانشجو به عنوان آزمودنی استفاده شد و عملکرد متشکل بود از پاسخ به آزمونی مشتمل بر ۱۰۰ عدد کارت که روی هر کدام عکس سه جوان وجود داشت. آزمودنیهای نمونه باید عکس فرد اسکیزوفرنی موجود در هر کارت را تشخیص بدهند. کارتها در سه نوبت به افراد داده شد. در دو نوبت اول نتایج تصنعی در رابطه با عملکرد به آزمودنیها داده شد، بدین معنا که صرفنظر از عملکرد به آنها گفته شد که یا خوب عمل کرده‌اند و یا بد.

نتایج نشان دادند که افرادی که در دو نوبت اول پسخوراند مطلوب دریافت کرده بودند در مرحله سوم نیز عملکرد بسیار خوبی داشتند، در حالی که افرادی که در دو نوبت نخست پسخوراند نامطلوب دریافت کرده بودند در نوبت سوم عملکرد بسیار ضعیفی از خود نشان دادند.

الیوت ارونسون و دیوید متی (Eliot Aronson & David Mattee، ۱۹۶۸) طی مطالعه‌ای آزمایشی موفق شدند با تغییر عزت نفس افراد از طریق ارائه نتایج مثبت و منفی در رابطه با شخصیتشان، عملکرد آنان را تغییر دهند. نتایج این تحقیق نشان داد که گروهی که نتایج مثبت در باره شخصیت خود دریافت کرده بود نسبت به گروهی که نتایج منفی دریافت داشته بود عملکرد بهتری داشت.

فینکلمن (Finkleman، ۱۹۸۹) بر مبنای تحقیق خود نتیجه‌گیری می‌کند که افراد دارای عزت نفس بالا هنگامی که تواناییهای آنان به مبارزه طلبیده شود به احتمال بیشتر کار را با موفقیت به انجام می‌رسانند تا افرادی که عزت نفس پائینی دارند.

گرینهوس و بادین (Greenhaus & Badin، ۱۹۷۴) طی دو مطالعه تأثیر عزت نفس را بر عملکرد و خشنودی شغلی مورد بررسی قرار دادند. این دو محقق در نخستین مطالعه خود، عزت نفس ۱۴۴ دانشجوی روانشناسی صنعتی و سازمانی را از رهگذر ارائه اطلاعات مثبت و منفی در باره خودشان تغییر دادند. نتیجه‌گیری آنان این بود که عزت نفس به طور معنی داری با عملکرد رابطه دارد.

برامل (Bramel، ۱۹۷۷) در مطالعه خود، عزت نفس آزمودنیها را با ارائه اطلاعات مثبت یا منفی در باره شخصیتشان، موقتا" بالا برد یا پائین آورد. سپس به آزمودنیهای خود اجازه داد تا اطلاعات منفی انکارناپذیری در باره خود بنویسند. نتایج این تحقیق نشان داد که افرادی که عزت نفس آنان پائین آورده شده بود، بیشتر به نوشتن این اطلاعات تن در دادند، تا افراد واجد عزت نفس بالا.

کورمن (Korman، ۱۹۶۸) طی یک تحقیق آزمایشی، این فرضیه را که موفقیت در وظیفه و میل به انجام آن با عزت نفس رابطه مثبت بالا دارد، مورد آزمایش قرار داد. نتایج این تحقیق نشان داد که میان موفقیت در وظیفه و میل به انجام آن از یک سو و عزت نفس از سوی دیگر رابطه وجود دارد، به طوری که افراد واجد عزت نفس بالا در وظایف خود موفقتر و به انجام وظایف خود مایلتر بودند.

بروک اوور و توماس (Brookover & Thomas، ۱۹۶۳-۶۴) از تحقیق خود نتیجه گیری کردند که میان تصور از خود آزمودنیها و میانگین تجمعی آنان رابطه معنی داری وجود دارد. دنمارک و گوتن تاگ (Denmark & Guttentag، ۱۹۶۷) در مطالعه‌ای معلوم داشتند که زنانی که عزت نفس بالائی دارند و مایلند به دانشگاه بروند بیش از زنانی که از عزت نفس پائینی برخوردارند و مایلند به دانشگاه بروند به انجام رفتارهایی که سبب نیل به این هدف می شود مبادرت می ورزند.

در مطالعه‌ای که توسط کورمن (Korman، ۱۹۶۹) انجام گرفت، آشکار گردید که افرادی که عزت نفس بالائی دارند به احتمال بیشتر حرفه‌هایی را انتخاب می کنند که در آنها خود را دارای درجه بالایی از توانایی ادراک کنند تا آنهایی که عزت نفس پائینی دارند.

شینور (Shaver، ۱۹۵۹) در مطالعه‌ای نشان داد که افرادی که به پیشرفت تحصیلی نائل می آیند تصور از خود مثبت تری دارند تا آنانی که پیشرفت تحصیلی چندانی ندارند.

کوپر اسمیت (Coopersmith، ۱۹۵۹) در یک مطالعه مربوط به تأثیر عزت نفس بر موفقیت تحصیلی ۱۰۲ دانش آموز کلاس پنجم دبستان، به این نتیجه رسید که میان عزت نفس و موفقیت تحصیلی این دانش آموزان رابطه معنی داری وجود دارد.

دیب بوی، زولوسکی، دیوهرست و آروی (Dipboy, Zullowski, Dewhirst & Arvery، ۱۹۷۸) طی یک مطالعه، رابطه میان خشنودی شغلی و علائق شغلی را با عزت نفس مورد بررسی قرار دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که رابطه مثبت معنی داری میان علائق شغلی از یک سو و خشنودی شغلی از سوی دیگر، برای افراد واجد عزت نفس بالا وجود دارد، در حالی که این رابطه برای افراد صاحب عزت نفس پائین وجود ندارد.

کمپل، چیو و اسکراچلی (Campbell, Chew & Scratchley، ۱۹۹۱) در دو مطالعه اثرات عزت نفس بر روی ارزیابیهای شناختی حوادث روزانه و تغییرات هیجانی را مورد بررسی قرار

دادند. در این مطالعات از ۶۷ دانشجوی رشته روانشناسی به عنوان آزمودنی استفاده شد. در ابتدای این مطالعات، عزت نفس آزمودنیها اندازه گیری شد (۳۶ نفر با عزت نفس پائین و ۳۱ نفر با عزت نفس بالا). سپس از آزمودنیها خواسته شد تا در فاصله زمانی بین ۳ تا ۴ ماه حوادث روزانه را از لحاظ شادمان سازی یا ناراحت کنندگی بر روی پرسشنامه هایی در زمانهای متفاوت روز و قبل از خواب شبانه ارزیابی کنند. نتایج این مطالعات نشان دادند که آزمودنیهای با عزت نفس پائین، حوادث روزانه را کمتر مثبت و با تأثیر بیشتر در خلق و خوی خود ارزیابی کردند. آزمودنیهای با عزت نفس بالا، اسنادهایی با ثبات، درونی و کلی برای حوادث مثبت در مقایسه با حوادث منفی به عمل آوردند، در حالی که افراد با عزت نفس پائین اسنادهای مشابهی را برای هر دو نوع حادثه (مثبت و منفی) ارائه دادند و حوادث منفی خود را در مقایسه با افراد با عزت نفس بالا بیشتر شخصی و مهم تلقی کردند.

تانگ و سارسفیلد بالدوین (Tang & Sarsfield - Baldwin, Aug., ۱۹۹۱) در یک تحقیق آزمایشی اثرات عزت نفس، نوع وظیفه و پسخوراند عملکرد بر روی میل و علاقه به شغل و انگیزش درونی افراد را مورد بررسی قرار دادند. در این بررسی ۱۲۰ دانشجوی رشته روانشناسی به عنوان آزمودنی انتخاب شدند. محققان پس از مشخص کردن نمره های عزت نفس آزمودنیها، آنان را از لحاظ انجام کاری که متشکل از تنظیم جملات از کلمات درهم ریخته بود به دو گروه با شرایط آسان و مشکل تقسیم کردند. بعد از اولین مرحله عملکرد، به طور تصنعی نتایج مثبت و منفی به آزمودنیها داده شد، سپس مرحله دوم انجام کار شروع گردید. نتایج مرحله دوم عملکرد نشان دادند که آزمودنیهای با عزت نفس بالا که نتیجه مثبت دریافت کرده بودند نسبت به آزمودنیهای با عزت نفس پایین هم از لحاظ میل و علاقه به شغل و هم از جهت انگیزش در سطح بالاتری قرار داشتند. همچنین پسخوراند مثبتی که به آزمودنیهای با عزت نفس پایین داده شد موجب کاهش میل و علاقه آنان به عملکرد با شرایط مشکل گردید.

تانگ و سارسفیلد بالدوین (Tang & Sarsfield - Baldwin, Jul., ۱۹۹۱) در تحقیقی دیگر اثرات عزت نفس، نوع وظیفه و پسخوراند عملکرد را بر هدفگذاری، کسب اطمینان و نحوه اسناد افراد مورد بررسی قرار دادند. آنان ۱۲۰ دانشجوی رشته روانشناسی از ایالت تنسی را به عنوان آزمودنی انتخاب کردند. در این تحقیق ابتدا آزمودنیها از لحاظ عزت نفس مورد سنجش قرار گرفتند، سپس از لحاظ انجام کاری که متشکل از تنظیم جملات از کلمات درهم ریخته بود به دو گروه با شرایط مشکل و آسان تقسیم شدند. بعد از انجام مرحله اول کار، به طور تصنعی نتایج مثبت و منفی به آزمودنیها داده شد. نتایج مرحله دوم عملکرد نشان داد که آزمودنیهای با عزت نفس بالایی داشتند نسبت به آزمودنیهای با عزت نفس پایین هم از لحاظ توانایی اسناد و هم از جهت سعی و کوشش در مرتبه بالاتری بودند.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های پژوهش حاضر به شرح زیرند:

- ۱- افزایش عزت نفس دانش آموزان پسر دبیرستانی موجب افزایش عملکرد آنها می‌شود.
- ۲- کاهش عزت نفس دانش آموزان پسر دبیرستانی موجب کاهش عملکرد آنها می‌شود.
- ۳- افزایش عزت نفس دانش آموزان دختر دبیرستانی موجب افزایش عملکرد آنها می‌شود.
- ۴- کاهش عزت نفس دانش آموزان دختر دبیرستانی موجب کاهش عملکرد آنها می‌شود.

جمعیت هدف و روش نمونه برداری

آزمودنیهای این پژوهش، ۳۶۰ نفر دانش آموز سال اول تا سوم دبیرستانهای شهرستان نجف‌آباد می‌باشند. نیمی از این آزمودنیها دختر و نیم دیگر پسر بودند. آزمودنیها به طور تصادفی از میان ۱۵۰۰ دانش آموز رشته‌های اقتصاد، تجربی و فرهنگ و ادب انتخاب شدند.

ابزارهای تحقیق

در این تحقیق دو متغیر به کار رفته است، یکی عزت نفس که متغیر مستقل ما به شمار می‌آید و دیگری عملکرد که متغیر وابسته را تشکیل می‌دهد.

عزت نفس. در رابطه با متغیر عزت نفس تعاریف مختلفی ارائه شده است. در بعضی از نوشته‌ها عزت نفس مترادف با تصور از خود تعریف شده است. در دیگر نوشته‌ها به احساسات فرد نسبت به قدر و ارزش خود تعبیر شده است. عده‌ای دیگر مانند کالهن، وارن و کورفیس (Calhoun Warren & Kurfiss، ۱۹۷۶) معتقدند که تصور از خود و عزت نفس دو مفهوم متفاوتند و برای هر یک تعاریفی جداگانه ارائه داده‌اند. آنها بر این باورند که تصور از خود عبارت است از نحوه ادراک فرد از خود، رفتار خود و نگرش نسبت به کیفیت انگاره‌های دیگران، در حالی که عزت نفس، خشنودی فرد را نسبت به تصور از خود خویش شامل می‌گردد. عزت نفس با دو آزمون اندازه‌گیری شده است، یکی آزمون عزت نفس کوپر اسمیت و دیگری آزمون عزت نفس گیزلی. هر دو آزمون از روایی و پایایی نسبتاً بالایی برخوردارند. ضرایب پایایی آزمون عزت نفس کوپر اسمیت با روش بازآزمایی برای دانش آموزان پسر و دختر به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۹۲ است. ضرایب پایایی آزمون عزت نفس گیزلی با همان روش برای پسران و دختران به ترتیب

برابر با ۰/۹۰ و ۰/۹۱ است. ضرایب روایی از طریق همبسته کردن نمره‌های آزمونهای عزت نفس با معدلهای آخر سال دانش آموزان به دست آمد. این ضرایب برای دانش آموزان پسر و دختر به ترتیب در ارتباط با آزمون عزت نفس کوپر اسمیت ۰/۶۹ و ۰/۷۱ و در رابطه با آزمون عزت نفس گیزلی ۰/۷۱ و ۰/۷۳ هستند. همه این ضرایب همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنی دارند.

عملکرد. در این پژوهش عملکرد عبارت است از نمره آزمودنیها در دو آزمون پیشرفت تحصیلی که توسط پژوهشگران تهیه شده بود.

مراحل اجرای تحقیق

در این تحقیق بعد از انتخاب آزمودنیها و تقسیم آنها به ۶ گروه ۳۰ نفری آزمایشی و گواه، ابتدا داستانی پوششی جهت استتار هدف اصلی مبنی بر اینکه در این تحقیق رابطه بین شخصیت، هوش و توانایی درک مطلب سنجیده می‌شود به آزمودنیها ارائه شد. سپس آزمون عملکرد شماره ۱ به عنوان پیش آزمون به گروههای آزمایشی و گواه دختر و پسر که باید پیش آزمون می‌گرفتند، داده شد. بعد از آن پرسشنامه عزت نفس گیزلی به عنوان پرسشنامه شخصیت به منظور فراهم نمودن زمینه لازم جهت مداخله آزمایشی به چهار گروه آزمایشی (دو گروه پسر و دو گروه دختر) داده شد. مداخله آزمایشی عبارت بود از افزایش یا کاهش عزت نفس آزمودنیها از رهگذر ارائه اطلاعات مثبت یا منفی نادرست در خصوص شخصیت آنان. در مرحله بعد برای آماده ساختن آزمودنیهای گروههای آزمایشی جهت پذیرش مداخله آزمایشی مطالبی مبنی بر اهمیت رابطه بین شخصیت و هوش و تأیید این مطلب از طرف متخصصان و روانشناسان ارائه شد. بعد از آن اطلاعات کاذب در باره شخصیت آزمودنیها که موجب افزایش یا کاهش عزت نفس آنها می‌شد به عنوان مداخله آزمایشی ارائه شد.

مطلب کاذبی که جهت افزایش عزت نفس ارائه شد به شرح زیر است:

"نتایج حاصل از آزمون شخصیت بیانگر آن است که شما از شخصیت بسیار با ثباتی برخوردارید. میزان هیجان زدگی و افسردگی شما در حد متعادلی است و در موقعیتهای مختلف، آرامش خود را حفظ می‌کنید. برای مطالب جزئی و کم اهمیت ارزش چندانی قائل نیستند و از قدرت تصمیم گیری خوبی برخوردارید. به علاوه، با توجه به سنتان از نظر هوش در سطح بالایی هستید" مطلب کاذبی که جهت کاهش عزت نفس ارائه شد به شرح زیر است:

"نتایج حاصل از آزمون شخصیت بیانگر آن است که شما از شخصیت بی ثبات و متزلزلی برخوردارید. از نظر هیجان زدگی و افسردگی در وضع نامتعادلی قرار دارید و در موقعیتهای مختلف قادر به حفظ آرامش خود نیستید. برای مطالب کم اهمیت ارزش زیادی قائل هستید و از

قدرت تصمیم‌گیری خوبی برخوردار نمی‌باشید. به علاوه، با توجه به سنتان از نظر هوش در سطح پایینی قرار دارید."

پس از ارائه اطلاعات کاذب، آزمون عملکرد شماره ۲ و آزمون عزت نفس کوپر اسمیت به عنوان پس آزمون به همه گروههای آزمودنی داده شد. در پایان، ضمن تشکر هدف اصلی آزمایش برای آنان تشریح گردید.

روش تحلیل داده‌ها

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به طرح چهار گروهی سولومن از تحلیل واریانس 2×2 و آزمون F استفاده به عمل آمد. سطح معنی داری برای آزمایش فرضیه‌ها $0/05$ در نظر گرفته شد. بدین ترتیب هشت تحلیل واریانس 2×2 بر روی نمره‌های پس آزمون عملکرد و عزت نفس گروههای آزمایشی و گواه پسر و دختر واجد و فاقد پیش آزمون انجام شد.

عرضه و تشریح یافته‌ها

جدول شماره ۱ مشتمل بر نتایج حاصل از چهار تحلیل واریانس 2×2 روی نمره‌های پس آزمون عملکرد ۴ گروه پسر و ۴ گروه دختر شرکت کننده در آزمایش کاهش و افزایش عزت نفس می‌باشد.

همان طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، نسبتهای F مربوط به میانگین ستونها که بیانگر اختلاف بین عملکرد گروههای گواه و آزمایشی می‌باشد، در رابطه با آزمایش افزایش عزت نفس برای پسران و دختران به ترتیب برابر با $16/4$ و $31/24$ است که در سطح $0/05$ آماری معنی دارند و آشکارا تفاوت عملکرد گروههای آزمایشی و گواه را نشان می‌دهند. همچنین نسبتهای F مربوط به آزمایش کاهش عزت نفس برای پسران برابر با $28/27$ و برای دختران برابر با $13/77$ هستند که در سطح $0/05$ آماری معنی دارند و بر تفاوت عملکرد گروههای آزمایشی و گواه دلالت می‌کنند. به طور کلی نتایج مندرج در این جدول، افزایش عملکرد بر اثر افزایش عزت نفس، و کاهش عملکرد در اثر کاهش عزت نفس را به وضوح نشان می‌دهند و فرضیه‌های تحقیق را تأیید می‌کنند.

جدول ۱ - نتایج چهار تحلیل واریانس روی نمره‌های پس آزمونه‌های عملکرد ۴ گروه پسر و ۴ گروه دختر شرکت کننده در آزمایش کاهش و افزایش عزت نفس.

F		MS		DF		SS		نوع مداخله	منبع تغییر
پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر		
۱۶/۴	۳۱/۲۴	۱۶۴/۳	۱۱۳/۱	۱	۱	۱۴۶/۳	۱۱۳/۱	افزایش عزت نفس	متغیر گروه
۸/۲۷	۱۳/۷۷	۲۳۶/۶	۶۳/۰۷	۱	۱	۲۳۶/۶	۶۳/۰۷	کاهش عزت نفس	آزمایشی و گواه
۱/۷۲	۱/۶	۱۵/۷۷	۵/۸۵	۱	۱	۱۵/۷۷	۵/۸۵	افزایش عزت نفس	متغیر واجد و فاقد بودن
۱/۰۷	۰/۲۶	۸/۸۱	۱/۲	۱	۱	۸/۸۱	۱/۲	کاهش عزت نفس	پیش آزمون
۰/۱۶	۰/۰۹	۱/۵۲	۰/۳۵	۱	۱	۱/۵۲	۰/۳۵	افزایش عزت نفس	اثر متقابل
۰/۶	۰/۸	۴/۹۹	۳/۶۸	۱	۱	۴/۹۹	۳/۶۸	کاهش عزت نفس	
-	-	۹/۴	۳/۶۲	۱۱۶	۱۱۶	۱۰۶۱/۰۶	۴۲۰/۸۵	افزایش عزت نفس	خطا
-	-	۸/۲۲	۴/۵۸	۱۱۶	۱۱۶	۹۵۴/۴۴	۵۳۲/۰۱	کاهش عزت نفس	
-	-	-	-	۱۱۹	۱۱۹	۱۲۲۴/۶۵	۵۴/۰۵	افزایش عزت نفس	مجموع
-	-	-	-	۱۱۹	۱۱۹	۱۲۰۴/۸۴	۶۰۰	کاهش عزت نفس	

جدول شماره ۲ بیانگر نتایج چهار تحلیل واریانس ۲×۲ روی نمره‌های پس آزمون عزت نفس ۴ گروه پسر و ۴ گروه دختر شرکت کننده در آزمایش افزایش و کاهش عزت نفس می‌باشد. این تحلیل صرفاً به منظور اطمینان از مؤثر بودن مداخله آزمایشی در افزایش یا کاهش عزت نفس انجام گرفته است و مستقیماً ارتباطی با آزمون فرضیه‌های تحقیق ندارد. در جدول ۲ نسبتهای F مربوط به تفاوت بین نمره‌های عزت نفس گروه‌های گواه و آزمایشی بعد از تأثیر گذاری مداخله آزمایشی است. این نسبتها در آزمایش افزایش عزت نفس برای پسران ۸/۵۲ و برای دختران ۱۹/۶۱ می‌باشند که در سطح ۰/۰۵ آماری معنی دارند و مؤید آنند که دستکاری افزایش عزت نفس مؤثر واقع شده است. همچنین نسبتهای F در آزمایش کاهش عزت نفس برای پسران ۱۵/۱۷ و برای دختران ۱۳/۸ می‌باشند که در سطح ۰/۰۵ آماری معنی دارند و گویای آنند که دستکاری کاهش عزت نفس نیز مؤثر بوده است.

جدول ۲- نتایج چهار تحلیل واریانس روی نمره‌های پس آزمونه‌های عزت نفس ۴ گروه پسر و ۴ گروه دختر شرکت کننده در آزمایش افزایش و کاهش عزت نفس.

F		MS		DF		SS		نوع مداخله	منبع تغییر
پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر		
۲/۵۲	۱۹/۶۱	۳۸۵/۲۱	۶۲۵/۷	۱	۱	۳۸۵/۲۱	۶۲۵/۷	افزایش عزت نفس	متغیر گروه
۵/۱۷	۱۳/۸	۴۳۷/۰۱۵	۳۳/۴۱	۱	۱	۴۳۷/۰۱	۵۳۳/۴۱	کاهش عزت نفس	آزمایشی و گواه
۱/۵۹	۰/۵	۷۲/۰۷	۱۶/۲	۱	۱	۷۲/۰۷	۱۶/۲	افزایش عزت نفس	متغیر واجد و فاقد بودن
۰/۲	۰/۷	۷/۰۱	۲۷/۰۷	۱	۱	۷/۰۱	۲۷/۰۷	کاهش عزت نفس	پیش آزمون
۰/۵۱	۰/۰۵	۲۳/۴۱	۱/۶	۱	۱	۲۳/۴۱	۱/۶	افزایش عزت نفس	اثر متقابل
۰/۰۳	۰/۰۰۰۵	۱/۰۱	۸/۲	۱	۱	۱/۰۱	۸/۲	کاهش عزت نفس	
-	-	۴۵/۱۸	۳۱/۹	۱۱۶	۱۱۶	۵۲۴۱/۱۱	۳۷۰۰/۸	افزایش عزت نفس	خطا
-	-	۲۸/۸	۳۸/۶۳	۱۱۶	۱۱۶	۳۳۴۰/۹۷	۴۴۸۱/۵	کاهش عزت نفس	
-	-	-	-	۱۱۹	۱۱۹	۵۷۲۱/۸	۴۳۴۴/۳	افزایش عزت نفس	مجموع
-	-	-	-	۱۱۹	۱۱۹	۳۷۸۶	۵۰۴۲	کاهش عزت نفس	

علاوه بر نتایج حاصل از تحلیلهای واریانس مقایسه‌های دو به دو نیز بین میانگینهای مختلف عملکرد انجام گرفته است. این مقایسه‌ها براساس توصیه‌های کمپبل و استانلی (Campbell & Stanley ص ۲۵، ۱۹۶۳) به عمل آمده‌اند. این نتایج در جدول ۳ نشان داده شده‌اند.

جدول ۳- مقایسه میانگینهای نمره‌های عملکرد گروههای آزمایشی و گواه دختر و پسر در آزمایش کاهش و افزایش عزت نفس.

جنسیت	نوع مداخله	مقدار t			
		05>03	05>66	02>04	02>01
پسر	افزایش عزت نفس	۲/۱*	۳/۶۹*	۲/۲۸*	۶/۹۳*
	کاهش عزت نفس	۴/۰۲*	۳/۴۷*	۴/۱۶*	۶/۷۶*
دختر	افزایش عزت نفس	۶/۲*	۳/۳۸*	۵/۱۲*	۳/۲۳*
	کاهش عزت نفس	۱/۸*	۲/۵*	۴/۵۸*	۷/۲۶*

* $p < 0/05$

- 01 = پیش آزمون گروه آزمایشی واجد پیش آزمون و پس آزمون
 02 = پس آزمون گروه آزمایشی واجد پیش آزمون و پس آزمون
 03 = پیش آزمون گروه گواه واجد پیش آزمون و پس آزمون
 04 = پس آزمون گروه گواه واجد پیش آزمون و پس آزمون
 05 = پس آزمون گروه آزمایشی فاقد پیش آزمون
 06 = پس آزمون گروه گواه فاقد پیش آزمون

همان طور که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است به جزء مقدار t بین پس آزمون گروه آزمایشی بدون پیش آزمون و پیش آزمون گروه گواه واجد پیش آزمون و پس آزمون دختران در آزمایش کاهش عزت نفس که برابر با ۱/۸ می باشد و در سطح ۰/۰۵ آماری معنی دار نیست مابقی نسبتهای t در سطح ۰/۰۵ معنی دارند و مؤید فرضیه‌های تحقیق می باشند.

جدول شماره ۴ نیز بیانگر تفاوت موجود بین میانگینهای نمره‌های عزت نفس در گروههای آزمایشی و گواه دختر و پسر در آزمایشهای کاهش و افزایش عزت نفس می باشد. تمام مقادیر t به دست آمده در سطح ۰/۰۵ آماری معنی دارند و مؤید موفقیت دستکاری آزمایشی هستند.

جدول ۴- مقایسه میانگینهای نمره‌های عزت نفس گروههای آزمایشی و گواه دختر و پسر در آزمایش کاهش و افزایش عزت نفس.

مقدار t	نوع مداخله			جنسیت
	05 > 06	02 > 04	02 > 01	
۲*	۲/۶۲*	۷/۴*		پسر
۲/۷۷*	۲/۷۷*	۶/۰۶*		
۲/۸۱*	۳/۵۵*	۵/۷۱*		دختر
۳/۰۲*	۲/۳۷*	۷/۲۲*		

* $p < 0.05$

بحث و نتیجه گیری

با توجه به تجزیه و تحلیل مربوط به چهار فرضیه این تحقیق، تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه اول و سوم بیانگر آن است که در اثر افزایش عزت نفس، عملکرد آزمودنیهای پسر و دختر افزایش پیدا کرد. کورمن (۱۹۷۷) در این مورد اشاره می‌کند که افرادی که شایستگی خود دریافتند (عزت نفس) بسیار داشته باشند به احتمال زیاد در انجام وظایف بیشتر موفق می‌گردند. نتایج تحقیق حاضر این پیش بینی را مورد تأیید قرار داده است. نتایج این پژوهش با یافته‌های بسیاری از پژوهشهای مربوط به این موضوع که در بخش بازننگری پیشینه مطرح شد هماهنگی دارد. بدین سان، اهمیت ایجاد عزت نفس در مردم روشن می‌شود. یکی از طرق ایجاد عزت نفس، تکریم افراد و توجه به شخصیت آنهاست. فردی در جامعه که به قدر کافی مورد احترام واقع شود، علاوه بر مزایای دیگر از عملکرد بالایی نیز برخوردار خواهد بود. همچنین اگر نظرات و ارزشهای انسان توسط افرادی که در زندگی او مهم تلقی می‌شوند، پذیرفته گردد، عزت نفس او بالا خواهد رفت. افراد در سنین بالاتر نیز به پذیرفته شدن و احترام از سوی دیگران نیازمندند. در

یک بخش از پژوهش حاضر، عزت نفس آزمودنیها به علت دریافت پسخوراند مثبت در رابطه با شخصیت آنان افزایش یافت. این افراد عملکرد خود را بهبود بخشیدند تا به حصول نتایجی هماهنگ با اعتقادات خویش در باره خودشان نائل آیند. تحلیل نتایج مربوط به فرضیه‌های شماره ۲ و ۴ نیز نشان داد که عملکرد آزمودنیهایی که عزت نفس آنها در اثر مداخله آزمایشی کاهش یافته بود کاهش پیدا کرد. این کاهش برای هر دو گروه (دختر و پسر) صادق بود. بدین ترتیب، معلوم می‌شود که موفقیت یا عدم موفقیت انسان در کارها تا اندازه‌ای منوط به نوع نگرشهای او در مورد خودش است. می‌توان گفت که انسان برانگیخته می‌شود تا در سطحی هماهنگ با آگاهی خویش از قابلیت‌ها ادراک شده خود و با توجه به تکلیفی که با آن روبرو است به کار بپردازد. اگر افراد شناخت‌های منفی از خود داشته باشند نیاز به بازده‌های منفی دارند تا به نتیجه هماهنگ نائل آیند. برعکس افرادی که شناخت‌های مثبتی از خود دارند باید عملکرد بالایی داشته باشند تا هماهنگی شناختی برای آنان حاصل شود.

منابع

- Adams, J.S. (1965). Inequality in social exchange. in L. Berkowitz (ed.), *Advances in Experimental Social Psychology*, Vol. 2. New York: Academic Press, 267-299.
- Aronson. Elliot and J. Merrill Carlsmith. (1952). Performance expectancy as a determinant of actual performance. *Journal of Abnormal and Social psychology*, Vol. 65, No. 3, 178-182.
- Aronson Elliot and David R. Mettee. (1958). Dishonest behavior as a function of different levels of self - esteem. *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol, 9, No. 2, 121-127.
- Bramel, (1977). Self - concept and self - esteem. Another perspective. *Journal of Psychology in School*. Vol. 14. No. 30.
- Brookover, W.B., and Thomas, S. (1963-64). Self - concept of ability and school achievement. *Sociology of Education*, 37, 27-28.
- Calhoun, C., Warren, P. & Kurfiss J.A. (1976). Comparison of the self - concept and self - esteem of black and white boy scouts. *Clearing - House*, Vol, 50, 131-133.
- Campbell. D.T. & Stanley, J.C. (1963). *Experimental and quasi - experimental designs for research*, Chicago: Rand McNally.
- Campbell, J.D.: Chew, B. & Scratchley, L.S.(1991, Sep.). Cognitive and emotional reactions to daily events: the effects of self - esteem and self - complexity. *Journal of Personality*, Vol 59(3), 473-505.
- Coopersmith. S.A.,(1959). Method for determining types of self - esteem. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, Vol, 59, 87-94.

Denmak, F. and Guttentag, M.(1967). Dissonance in the self - concepts and educational concepts of college and non - college oriented women. *Journal of Counseling Psychology*, 14, 113-115.

Dipboy, R.H. Zullowski, W.H. Dewhirts H.D. and Arvey, R.D.(1978). Self - esteem as a moderator of the relationship between scientific interest and the job satisfaction of physicists and engineers. *Journal of Applied Psychology*, Vol. 63, No. 3, 289-294.

Festinger, L.(1957). *A theory of cognitive dissonance*. Evanston, ill: Row, peterson.

Festinger, L. (1959). Theory of social comparison processes. *Human Relations*, 7. 117-140.

Finkelman, J. (1969). Unpublished paper, New York University.

Greenhaus, J.H., Badin, I.J.(1974). self - esteem, Performance, and satisfaction. *Journal of Applied Psychology*, Vol. 59, No. 6, 722-726.

Korman, Abraham. K. (1968). Task success, task popularity and self - esteem as influences on task liking. *Journal of Applied Psychology*, Vol. 52: No, 6. 484-490.

Korman, Abraham. K. (1969). self - esteem as a moderator in vocational choice. *Journal of Applied psychology*, Vol. 53, No.3, 188-192.

Korman. Abraham. K. (1977). *Organizational behavior*. New Jersey: prentice - Hall.

Shaw, M.C.(1968). Underachievement: useful construct or misleading illusion, *Psychology in the Schools*. 5, 41-46.

Tang, T.L. & Sarsfield - Baldwin, L. (1991, Jul.). The effects of self - esteem, task label, and performance feedback on goal setting, certainty, and attribution. *Journal of Psychology*. Vol 125(4). 413-418.

Tang, T.L. & Sarsfield - Baldwin, Linda. (1991, Aug). The effects of self - esteem, task label, and performance feedback on task Liking and intrinsic motivation. *Journal of Social Psychology* Vol 131(4). 567-572.

شکرکن، حسین. احساس نابرابری و اثرات آن در دنیای کار، مجله تربیتی جندی شاپور، سال دوم، شماره دوم، ۱۳۵۳.